

تأثیر اشتباه طرفین در عقد نکاح

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۱/۲۸، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۳/۱۲)

دکتر رضا بیرانوند^۱

لیلا حبیبی

چکیده

خانواده کهن ترین و مهم ترین گروه انسانی است تمایل جنسی زن و مرد و محبت فطری که پدر و مادر به فرزندان خود دارند، موجب شده است که خانواده به عنوان واحدی طبیعی و محترم، از دیرباز به وجود آید. اصل دهم قانون اساسی، نقش بنیادی خانواده را در حقوق نیز اعلام می کند. از آن جاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. به همین دلیل اشتباه طرفین در راستای انعقاد و شکل گیری این نهاد مهم دارای آثار حقوقی بسیاری است که در این مقاله قصد داریم به بررسی و تحلیل این آثار پردازیم. روش تحقیق در این مقاله از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: عقد نکاح، اشتباه در عقد نکاح، حقوق زوجه، شخصیت طرف در عقد

نکاح، حقوق خانواده، انحلال نکاح

بخش اول: بررسی و شناخت اشتباه و انواع آن

اشتباه در حقوق تصور نادرست شخص است دربارهی یکی از ارکان و عناصر عقد یا ایقاع. در صورتی که تصویری نادرست مبنای شکل گیری ارادهی شخص در انجام عمل حقوقی (عقد و ایقاع) گردد، به صحت عمل حقوقی لطمه می زند. اشتباه در لغت مصدر باب افتعال از ریشهی «شبه» به معنای مانند شدن، به غلط گرفتن و شبیه بودن است. اشتباه به طور کلی تصور غلطی است که انسان از چیزی دارد. اشتباه به طور کلی تصویری خلاف واقع از چیزی مادی یا معنوی است و در یک تقسیم بندی اجمالی به انواعی تقسیم می گردد.^۱

بند اول: اشتباه حکمی

اشتباه حکمی به دو مورد تقسیم می گردد:

الف) تصور وجود قانونی که اساسا وجود ندارد. ب) تفسیر نادرست از یک قانون

به تصور این که آن قانون درست است و آن تفسیر صحیح می باشد و در مورد اولین نوع اشتباه حکمی می توان به هبه مریض به پزشک به تصور قانون اشاره کرد و حال این که در قانون فرانسه چنین قانونی وجود ندارد و در مورد دومین نوع اشتباه می توان به تفسیر موسع در قوانین مسئولیت اشاره نمود. این اشتباه در فقه عبارت است از تردید در که حکم قانون در مورد عملی یا چیزی چگونه است که عملا به آن شبهه حکمیه می گویند.^۲

^۱ - صفایی، سید حسین - امامی، اسدالله؛ مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، چ پنجم، ص ۴۳

^۲ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چ دوازدهم، ص ۴۵

بند دوم: اشتباه در تنظیم اسناد

هرگاه در حین تنظیم سندی که (از نظر تنظیم پایان نیافته) از حیث تطبیق کیفیت و خصوصیت سند با مواد مقررات مشکلی پیش آید آن را به اشکال در تنظیم اسناد تعبیر می کنند و اگر پس از پایان تنظیم سند مواجه با اشتباه در تطبیق کیفیت و خصوصیات آن با مقررات شوند این وضع را اشتباه در تنظیم اسناد می گویند.^۱

بند سوم: اشتباه در سبب معامله

بیع سبب تملک مبیع و ثمن است، وصیت تملیکی سبب تملک موصی به است و هکذا حال اگر ورثه با موصی له بر تقسیم مال مشاعی به تراضی افراز نمایند و بعد معلوم شود که وصیت باطل بوده و موصی له بهره از آن مال نداشته است تراضی بر افراز هم باطل است زیرا ورثه در فاسد بودن سبب تملک و صحیح بودن آن در اشتباه بوده اند که به این نوع اشتباه، اشتباه در سبب هم گویند.^۲

بند چهارم: اشتباه در شخص طرف عقد

این اشتباه به دو صورت می باشد: الف: اشتباه در خود طرف عقد مثل این که واهب مال خود را به حسن هبه کند به تصور این که او منوچهر است. ب) اشتباه در مشخصات طرف عقد مانند

^۱ - همان ص ۴۷

^۲ - همان ص ۴۶

این که موجر خانه را به کسی اجاره بدهد به تصور این که او مجرد است و بعد معلوم گردد که او متاهل می باشد که این مطلب در ماده ۲۰۱ قانون مدنی متبلور گردیده است.^۱

بند پنجم: اشتباه در صورت عرفیه موضوع معامله

اگر مورد معامله عین معین باشد و عرفا مخالف با آنچه که در قصد عاقد خطور کرده است از کار درآید (به علت اشتباه در تصور) آن اشتباه را اشتباه در صورت عرفیه موضوع معامله گویند و این اشتباه عقد را باطل می کند. مثل این که کسی اشتباها کفش زنانه را به جای کفش مردانه بخرد، چه عرفا زنانه و مردانه دو ماهیت متغایر محسوب می گردند. این اصطلاح در مقابل اشتباه در عوارض موضوع معامله به کار رفته است.^۲

بند ششم: اشتباه در عوارض موضوع معامله

هرگاه مورد معامله که عین معین است همان چیزی باشد که در قصد انشا عاقد خطور کرده است ولی در صفات و عوارض معامله اشتباه شده باشد، این اشتباه را اشتباه در عوارض موضوع معامله می نامند. مثل این که قالی کرمان بخیریم و بعد معلوم شود که قالی خراسانی است. قالی چه خراسانی باشد و چه کرمانی موضوع و طبیعت واحدی است اما وصف خراسانی بودن غیر از وصف کرمانی بودن آن است.^۳

^۱ - ماده ۲۰۱ قانون مدنی

^۲ - همان، ص ۴۶

^۳ - همان

بند هفتم: اشتباه در غرض

هرگاه عاقد در غرض از عقد اشتباه کند آن را اشتباه در غرض نامند که گاهی موجب بطلان عقد هم می شود. چنان که مدیون به دائن اظهار نماید که قدرت اداء تمام دین را ندارد و دائن به اعتماد صحت قول او دین را صلح به اقل نماید و در واقع اظهار بدهکار دروغ باشد. غرض دائن در عقد مذکور صلح ارفاق به بدهکار تنگدست بوده است و حال اینکه او در این غرض بر اشتباه بوده است.^۱

بند هشتم: اشتباه در موضوع عقد

اشتباهی است راجع به خود موضوع معامله. مثلاً بایع کتاب را به جای دفتر می فروشد. البته در این مورد که در ماده ۲۰۰ قانون مدنی متبلور گردیده است و از قانون مدنی فرانسه اقتباس گردیده است تفسیرهای فراوانی صورت گرفته است.^۲

بند نهم: اشتباه در نوع عقد

و آن موردی است که یک طرف عقد، عقد معینی را در نظر داشته باشد و طرف او عقد دیگر را. مثل این که شخصی مالی را به دیگری هبه کند و طرف دیگر به تصور این که او صلح کرده است، اظهار را قبول نماید.^۳

^۱ - همان، ص ۴۶

^۲ - همان

^۳ - همان

بند دهم: اشتباه موضوعی

به اشتباه در موضوعات، اشتباه موضوعی می گویند. مثل این که شخصی قالی خریده، به تصور این که عتیقه است و بعد خلاف آن ثابت می گردد.^۱

بخش دوم: نگاهی به ویژگی عقد نکاح در برابر معاملات

پیمان زناشویی یا نکاح بی گمان عقد است؛ منتها چهره اجتماعی آن چندان غلبه دار که از حیث آثار باید آن را از سایر قراردادها ممتاز ساخت. موضوع عقد نکاح تشکیل خانواده و التزام به عشق و وفاداری و همبستگی است و اثر آن همچون نهادی حقوقی و پیش ساخته است که دو طرف به تراضی در آن قرار می گیرند. قیاس این اتحاد مقدس با معامله دو مال، از جمله تعبیر برخورداری از جسم زن در برابر مهر، از یادگارهای دوران برده داری است که باید از ذهن زدود و به یاد داشت که انسان موضوع معامله و داد ستد و قرار نمی گیرد. آنچه که گفته شد درباره آثار نکاح بوده است. انعقاد نکاح تابع قواعد عمومی می باشد؛ با این وجود، در اهلیت دو طرف و موضوع عقد احکام ویژه ای به چشم می خورد که در سایر قرارداد و عقود دیده نمی شود.^۲ بنابر اصل حاکمیت اراده عمل حقوقی در صورتی اعتبار دارد که با قصد واقعی دو طرف منطبق باشد، یعنی آنچه که واقع شده با مقصود یکی باشد. زیرا، نفوذ و اعتبار خود را از آن می گیرد. پس، اگر تصویری که مبنای تکوین اراده قرار گرفته است با واقع مخالف باشد، به طور مسلم چنین اراده ای معلول است و نمی تواند آثار قصد و رضای متعارف

^۱ - همان. ص ۴۷-۴۶

^۲ - کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی، (اعمال حقوقی - قرارداد - ابقاع)، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن

برنا، چ هشتم، ص ۱۹-۱۸

را داشته باشد (ماوقع لم يقصد و ما قصد لم يقع). اشتباهی که اراده را معلول می کند باید هنگام تصمیم گرفتن رخ دهد. هرگاه خطایی در بیان اراده اتفاق افتاد باید اصلاح گردد و گوینده را پایبند نسازد. برای مثال هرگاه در وصیت نامه ای نام موصی له به اشتباه نوشته شود این خطا حق شخص مورد نظر موصی را از بین نمی برد و اگر نادرستی بیان احراز شود مقصود اصلی حکومت می یابد. هم چنین است در موردی که فروشنده بهای کالا را به جای ده هزار تومان، ده هزار ریال بگوید. متنها اشتباه اخیر در صورتی که طرف قرارداد را گمراه کند مانع از تحقق تراضی است و از این جهت عقد را باطل می کند. به بیان دیگر چنین اشتباهی عیب تراضی است نه اراده^۱.

بخش سوم: بررسی و شناخت تاثیر اشتباه در عقد نکاح

بند اول: شرایط صحت نکاح

با این که بیشتر اثار نکاح به وسیله قانون معین می گردد و زوجیت رابطه حقوقی خاصی است که اشخاص نمی توانند شرایط و نظام آن را برهم بزنند، باید پذیرفت که به هر حال نکاح عقد بوده و باید شرایط اساسی عقود را دارا باشد. به طور کلی این شرایط عبارتند از: قصد و رضای طرفین (اراده)، اهلیت، موضوع و جهت نکاح و اختلاف جنس.

الف) اختلاف در جنس

بطلان نکاح بین دو هم جنس از نتایج مستقیم این اصل بوده و ازدواج بیند و هم جنس ممنوع است زیرا اختلاف جنس از شرایط اساسی نکاح بوده و نکاح بین دو هم جنس نمی تواند

^۱ - همان. ص ۸۶

تحقق پیدا کند. این امر جزو بدیهیات حقوقی است و احتیاج به استدلال ندارد. معهذا در تایید آن می‌توانیم به فقه اسلامی و عرف و عادت مسلم استناد و نیز بگوییم که ازدواج بین دو هم‌جنس برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه می‌باشد و از این رو طبق ماده ۹۷۵ قانون مدنی باطل است و دادرس نمی‌تواند به آن ترتیب اثر بدهد.^۱ هم‌چنین مواد ۱۰۳۵-۱۰۵۹-۱۰۶۷-۱۱۲۲ و ۱۱۲۴ ق.مدنی نیز نشان‌گر آن است که نکاح فقط بین زن و مرد ممکن است.^۲

ب) تاثیر اشتباه در جنسیت در سرنوشت نکاح

هرچند ماده صریحی در این باره وجود ندارد اما باید گفت در عمل و هنگامی که سردفتر بخواهد نکاحی را واقع و ثبت نماید برای احراز اختلاف جنس به شناسنامه طرفین رجوع می‌کند و در صورتی که شناسنامه حاکی از این اختلاف باشد می‌تواند عقد نکاح را جاری و آن را در دفتر رسمی ازدواج به قبت برساند. در واقع اگر نکاح بین دو هم‌جنس بسته شود این نکاح بی‌شک باطل است و ادعای اشتباه نیز در آن تاثیری ندارد، زیرا عقد ازدواج الزاما باید بین دو جنس مخالف صورت گیرد و ازدواج بین دو هم‌جنس و آمیزش جنسی میان آنان که تحت عنوان لواط (بین دو مرد) و مساحقه (بین دو زن) صورت می‌گیرد حرام و دارای کیفرهای بسیار سنگین می‌باشد.^۳ به هر ترتیب ادعای اشتباه در جنسیت فرد مسموع نمی‌باشد و از بطلان ازدواج جلوگیری نمی‌کند.

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ مجموعه محشای قانون مدنی، کتابخانه گنج دانش، چ اول، ص ۴۹۹

^۲ - صفایی، سید حسین - امامی، اسدالله؛ مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، چ پنجم، ص ۴۰

^۳ - ر ک به مواد ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۲۷ و ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

ج) اهلیت در ازدواج

دختر و پسر باید در هنگام ازدواج اهلیت داشته باشند. این که شرایط داشتن اهلیت چیست و اهلیت به چه معنا می باشد، بحثی است که در این مقاله نمی گنجد و فقط به همین مقدار بسنده می کنیم که مجمع تشخیص مصلحت نظام در مقام رفع اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در خصوص سن ازدواج ماده واحده ای را تصویب کرده که اشعار می دارد: عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی، به شرط رعایت مصلحت، با تشخیص دادگاه صالح^۱.

چ) موضوع و جهت نکاح

اساس عقد نکاح تشکیل خانواده و اتحاد زن و شوهر می باشد ولی به طور معمول توافق دیگری نیز در باب میزان مهریه انجام می گردد. در این گونه موارد باید جنبه های معنوی و انسان عقد را از قرارداد راجع به مهر ممتاز ساخت و احکام آن دو را با هم مخلوط ننمود. به طور کل در مورد موضوع و جهت نکاح به دو نکته اساسی اشاره می نماییم و تاثیر اشتباه را بر هر یک بررسی می نماییم.

بند دوم: بررسی انواع نکاح

نکاح در حقوق ایران بر دو قسم می باشد: نکاح دائم و نکاح منقطع که به نکاح منقطع؛ نکاح موقت یا متعه نیز گفته می شود و آن عبارت است از نکاحی که برای مدت معین باشد^۲. نکاح

^۱ - ماده واحده مصوب ۱۳۸۱/۴/۱ به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۶۷۱۳-۱۳۸۱/۴/۲۶

^۲ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چ دوازدهم، ص ۷۲۲

دائم نیز نکاحی است که برای همیشه و بدون تعیین مدت باشد.^۱ باید گفت مدت نکاح منقطع باید معین باشد^۲ و مبهم بودن آن عقد را باطل می کند. در موردی که معلوم باشد مقصود طرفین نکاح منقطع بوده است هرگاه مدت در عقد نیامده باشد، عقد باطل است. همچنین اگر شخصی مدعی اشتباه درنوع نکاح گردد، باید گفت که اصل بر نکاح دائم می باشد و شخصی که ادعایی برخلاف این امر دارد بایستی ادعای خود را ثابت نموده و اثبات کند که نکاح منقطع است.^۳

بخش چهارم: تحلیل حقوقی لزوم معین بودن زن و شوهر در نکاح

به طور کلی باید ذکر گردد که اراده یا قصد و رضای طرفین از ارکان هر قرارداد از جمله نکاح می باشد. البته اراده باطنی برای تحقق نکاح کافی نبوده بلکه اراده باید به طریق معتبر در قانون بیان شود. حال در مواردی ممکن است قصد در نکاح وجود داشته باشد اما رضا به علت اشتباه معیوب باشد. به بیان بهتر ممکن است اراده در نکاح مفقود یا معلول باشد. در این موارد نکاح باطل یا غیرنافذ است. پاره ای از اشتباهات نیز بدون این که از نظر حقوقی به اراده لازم در قرارداد لطمه زند و موجب بطلان یا عدم نفوذ آن گردد، خیار فسخ ایجاد می کند تا بدین طریق از کسی که در اثر اشتباه عقد نکاح بسته است رفع ضرر شود.^۴ به هر روی نکاح رابطه ای است غیرمالی و شخصیت زن و شوهر رکن اصلی عقد است نه دارایی شان. باید گفت نکاح پیوند میان انسان هاست و به همین دلیل باید شخص زن و مرد در عقد معین باشند.

^۱ - همان. ص ۷۲۱

^۲ - قانون مدنی. ماده ۱۰۷۶. مصوب ۱۳۱۴-۱۳۱۳

^۳ - کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی خانواده، جلد اول، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چ ششم، ص ۹۱

^۴ - صفایی، سید حسین - امامی، اسدالله؛ مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، چ پنجم، ص ۴۲

هر یک از زوجین باید به درستی بدانند که با چه کسی پیمان می بندد تا نکاح را با توجه به شخصیت او اراده نماید.^۱ به عبارت دیگر از آن جا که عقد نکاح فیما بین زوجین و با توجه به شخصیت ویژه آنان انجام می گیرد و انگیزه اصلی طرفین کاملاً به شرایط خاص و تعینات وجود خارجی و هویت اختصاصی آنان وابسته و متکی است لذا عاقد باید در حین انشا عقد زوجیت، شخص معینی را قصد نماید و در حین اجرای صیغه چنان طرفین را مشخص کند که برای هیچ یک از آن دو به هیچ عنوان شبهه ای وجود نداشته باشد، والا در غیر این صورت عقد باطل است.^۲ قانون مدنی در ماده ۱۰۶۷ به لزوم تعیین زن و شوهر بدین شرح اشاره کرده است: «تعیین زن و شوهر، به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است.» باید گفت تعیین نامزدها ممکن است به وسیله تعیین نام و مشخصات آنان یا با دیدن و اشاره صورت گیرد.^۳ ولی به هر حال وسیله تعیین به اندازه ای باید بلیغ باشد که جای هیچ گونه شبهه ای باقی نگذارد.^۴ بنابراین اگر شخص نامزد مبهم باشد یا یکی از چند نفر به طور تردید طرف عد واقع شود، نکاح باطل است. منتها، همان گونه که از ظاهر ماده ۱۰۶۷ بر می آید، تعیین زن و شوهر برای خود آنان از شرایط درستی عقد است و نیامدن نام و نشان زن یا شوهر در عقد به اعتبار آن صدمه نمی زند.

^۱ - کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی خانواده، جلد اول، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چ ششم، ص ۹۱

^۲ - محقق داماد، سید مصطفی؛ تحلیل فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، نشر علوم اسلامی، چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، چ اول، ص ۱۸۲

^۳ - کاتوزیان، ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چ هفتم، ص ۶۲۲

^۴ - کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی خانواده، جلد اول، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چ ششم، ص ۹۲

بخش پنجم: جایگاه حقوقی اشتباه در نکاح

در یک بیان کلی اشتباه (همان گونه که گفته شد) تصور غلطی است که ممکن است آدمی از چیزی داشته باشد و در مورد عقد نکاح، اشتباه تصور نادرستی است که یکی از زوجین در هویت جسمی یا در اوصاف طرف دیگر یا در مهر دارد. این اشتباهات برحسب اندازه و اهمیت و اندازه تاثیر آنها در اراده دارای احکام متفاوتی است. گاهی اشتباه اراده را به کلی زائل می کند و موجب بطلان نکاح می شود و گاهی فقط حق فسخ به اشتباه کننده می دهد و گاهی نیز تاثیری در نکاح ندارد.^۱ برای روشن شدن مطلب ابتدا باید به بررسی اشتباه در هویت جسمی پرداخته، سپس اشتباه در اوصاف را بررسی کرده و در ضمن باید یادآور گردیم که اشتباه در مهر هیچ گونه تاثیری در اصل نکاح ندارد و فقط ممکن است طبق قواعد عمومی معاملات در قرارداد مهر تاثیر داشته باشند.^۲

بند اول: اشتباه در هویت شخصی^۳

اشتباه در هویت شخصی آن است که شخصی به جای دیگری طرف عقد قرار گرفته باشد. مثلاً مردی می خواهد با زنی که قبلاً دیده است ازدواج کند ولی عقد ازدواج را با زن دیگری ببندد، به تصور این که همان شخص است. به طور کلی باید گفت نکاح از عقود است که به

^۱ - صفایی، سید حسین - امامی، اسدالله؛ مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، چ پنجم، ص ۴۲

^۲ - همان

خاطر شخصیت طرف آن بسته می شود و به همین جهت اشتباه در شخص، موجب بطلان آن می باشد.^۱ این اشتباه ممکن است به یکی از این سه صورت باشد:

الف) در اتحاد مادی: در این حالت، نسبت به مجموع اوصافی که شخص را از دیگران متمایز می سازد اشتباه رخ داده است و آن که طرف عقد واقع شده شخصی نیست که مقصود همسر بوده است. مانند این که به مردی پیشنهاد نکاح با دختری بشود و او همسری خواهر آن دختر را به اشتباه بپذیرد.

ب) در وضع مدنی شخص: در این صورت، از نظر مادی کسی طرف عقد واقع شده که از آغاز مورد نظر بوده است ولی بعدها معلوم می گردد که طرف عقد او را به جای دیگری گرفته و در وضع مدنی و نام او در اشتباه بوده است؛ مانند این که ولگردی اسناد سجلی هنرمند مشهوری را برباید و با آن اسناد به خواستگاری دختری رود و دختر، به تصور این که به همسری هنرمند مورد علاقه خود در می آید پیشنهاد ولگرد را پذیرفته و با او ازدواج نماید. برخلاف فرض نخست، در این مورد دختر با همان کسی که دیده است ازدواج کرده ولی نسبت به هویت او دچار اشتباه بوده است یا به گفته پاره ای از نویسندگان، اشتباه در اتحاد حقوقی طرف عقد با کسی که مورد نظر بوده رخ داده است.

ج) در صفت اساسی: در این فرض، طرف عقد از نظر مادی و حقوقی با کسی که مقصود او بوده یکسان است ولی عقد به گمان وجود صفتی در او بسته شده است که در واقع آن شخص دارا نبوده است. مانند این که دختری به تصور این که شوهرش مهندس است با او پیمان زناشویی می بندد ولی بعد می فهمد که او سواد خواندن و نوشتن ندارد.

^۱ - ماده ۲۰۱ قانون مدنی

بند دوم: بررسی اشتباه در آزادی شخص

اگر مرد با زنی ازدواج کند بنا براین که او آزاد است یعنی در متن عقد، آزاد بودن او شرط شود و آن گاه مرد دریابد که اشتباه می کرده و آن زن کنیز می باشد، شوهر می تواند عقد نکاح را فسخ نماید. هم چنین اگر زنی با مردی ازدواج کند بنا برآن که او آزاد است و آن گاه معلوم شود که او بنده است، می تواند عقد نکاح را فسخ کند و اگر فسخ پیش از نزدیکی باشد، در هیچ یک از این صورت مهریه ثابت نمی شود. اما اگر پس از نزدیکی باشد، همه مهر ثابت می گردد.^۱ هم چنین اگر مرد شرط کند که زن، دختر زن آزاد باشد (شرط صریح وصف) و آن گاه معلوم گردد که کنیززاده است، شوهر می تواند عقد نکاح را فسخ نماید و اگر فسخ پیش از نزدیکی باشد، مهری نیست و اگر پس از نزدیکی باشد مهر ثابت می گردد و شوهر برای پس گرفتن آن به کسی که او را فریب داده رجوع می نماید و اگر همان زن که با او عقد را بسته او را فریب داده باشد به او رجوع می کند و مهر المسمی را به استثنای حداقل مهر از او پس می گیرد.^۲ همچنین اگر شرط کرده باشد که زن باکره بوده و آن گاه معلوم گردد که ثبیه است، در صورتی که ثابت شود پیش از عقد ثبیه بوده است شوهر می تواند عقد نکاح را فسخ کند و بنا برقولی شوهر نمی تواند این کار را بکند، بلکه نهایتاً از مهر زن و به نسبت تفاوت مهر باکره و ثبیه کم می کند.^۳

^۱ - لمعه دمشقیه، شهید اول؛ ترجمه و تبیین علی شبروانی، جلد دوم، انتشارات دارالکفر، چ هفدهم، ص ۸۳

^۲ - همان

^۳ - همان. ص ۸۴

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت اشتباه در عقد ازدواج به معنای فریب خوردن یا تصور غلط طرفین از یکدیگر می باشد، چنانچه زن و مرد پس از عقد متوجه شوند که فرد مورد نظر دارای صفاتی که ذکر کرده نیست می توان گفت که اشتباه صورت گرفته است. اشتباه در عقد نکاح طیف وسیعی دارد و گاهی ممکن است اشتباه باعث باطل شدن عقد شود و گاهی نیز اشتباه می تواند به طرف فریب خورده که تصور نادرستی داشته است حق فسخ نکاح را بدهد. این اشتباهات بر حسب اهمیت و اندازه تاثیر آنها در اظهار اراده در عقد نکاح، دارای احکام و آثار متفاوتی هستند. گاهی اشتباه به طور کلی اراده فرد برای نکاح را از بین برده است و به همین دلیل اثر اشتباه در ازدواج سبب باطل شدن عقد نکاح می شود. در مقابل، گاهی اشتباه یا تصور غلط زوجین پس از ازدواج تاثیری در صحت عقد نکاح ندارد. اشتباه در هویت جسمی یا شخصیت طرف مقابل به معنای آن است که شخصی به جای دیگری طرف عقد نکاح قرار گرفته باشد. به عنوان مثال مردی می خواهد با زنی که قبلاً دیده است ازدواج کند؛ با این حال عقد ازدواج با شخص دیگری منعقد می شود با این تصور که طرف مقابل همان زنی است که او قبلاً دیده. هر چند امروزه به دلیل اینکه زن و مرد قبل از ازدواج در دوران نامزدی به سر می برند، امکان اشتباه در شخصیت یا هویت طرف مقابل بسیار کم شده است، با این حال هنوز هم تصور غلط زوجین در هویت جسمی زن یا مرد بعد از ازدواج را می توان به عنوان عاملی برای بطلان عقد ازدواج تلقی کرد. چرا که ازدواج با وجود اشتباه در هویت و شخصیت طرف مقابل، منطبق با اراده و خواست حقیقی طرف عقد نیست و این اشتباه به حدی است که کاملاً اراده او را باطل می سازد. به همین دلیل است که بر

اساس ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی مقرر می دارد: "تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد، شرط صحت عقد نکاح است".

اگر یکی از طرفین عقد نکاح در اوصاف طرف دیگر (نه شخصیت وی) دچار اشتباه شود، مانند اینکه زن تصور کند که مرد دارای موقعیت خانوادگی و اجتماعی والایی است و یا مرد تصور کند که زن هنر بخصوصی دارد و در حالی که این وصف در آن شخص وجود نداشته باشد، این اشتباه موجب بطلان عقد نکاح نمی شود. بلکه فقط برای شخصی که دچار اشتباه در اوصاف زن یا مرد پس از ازدواج شده است، حق فسخ نکاح به وجود خواهد آمد؛ به این شرط که وجود اوصاف مذکور ضمن عقد نکاح صریحا شرط شده باشد و یا اینکه عقد نکاح بر مبنای آن واقع شده باشد. به عبارت دیگر، اشتباه در اوصاف هنگامی موجب ایجاد حق فسخ نکاح است که وصف منظور به طور صریح یا ضمنی در عقد مورد اشاره قرار گرفته باشد و یا اینکه وجود آن صفت مبنای عقد نکاح قرار گرفته و از مذاکرات طرفین و اوضاع و احوال قضیه چنین بر می آید که وجود آن وصف مقصود طرف مقابل بوده است. به عنوان مثال هر چند در شروط ضمن عقد نکاح به صورت صریح دوشیزه بودن خانم مورد اشاره قرار نمی گیرد، با این حال زمانی که فردی به خواستگاری دختری می رود، وجود این وصف در دختر خانم بر حسب عرف اجتماعی شرط شده و مورد توافق قرار گرفته است. بر این اساس، اگر پس از عقد نکاح مشخص شود وصف مذکور وجود نداشته است، طرف مقابل حق فسخ عقد نکاح را خواهد داشت. به علاوه اینکه اگر یکی از زوجین با توسل به وسایل متقلبانه و به صورت عمدی موجبات اشتباه دیگری را فراهم نموده باشد، می توان از تدلیس یا فریب در ازدواج سخن گفت که در قانون برای آن مجازات هم پیش بینی شده است. با این حال، لازم

به ذکر است که اگر اشتباه در اوصاف به صورتی باشد که آن وصف نه به صورت صریح و نه به صورت ضمنی در عقد نکاح شرط شده بوده و صرفاً به دلیل اشتباهی بوده که از نبود اطلاع و آگاهی لازم حاصل شده است، این چنین اشتباهی اصولاً اثری در صحت عقد نکاح و ازدواج نخواهد داشت. مانند اینکه یکی از زوجین تصور کند که دیگری دارای فلان شغل یا جایگاه اجتماعی است و یا فرد فلان شخص است؛ بدون اینکه این امر توسط دیگری ذکر شده باشد. در این صورت اشتباه صرفاً به خود شخص مربوط است و نباید به صحت و استحکام عقد ازدواج خللی وارد سازد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد.....

الف) کتب فارسی

۱. امیر محمدی، محمدرضا، نظام مالی خانواده، تهران، نشر میزان، چ ۲، ۱۳۹۸.
۲. امینی، ابراهیم، آشنایی با وظایف و حقوق زن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
۳. برونر، رابرت؛ تارو، لستر، اقتصاد برای همه: ترجمه علی طالع، تهران، نشر سمرقند، ۱۳۸۴.
۴. جرجانی، سیدامیر ابوالفتح، تفسیر شاهی، تهران، نوید، چ ۱، ۱۴۰۴ه.ق.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، فن استدلال: منطق حقوق اسلام، تهران، گنج دانش، چ ۱، ۱۳۸۲.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مکتب های حقوقی اسلام، تهران، گنج دانش، چ ۱، ۱۳۷۰.
۷. دورانت، ویلیام، تاریخ تمدن: ترجمه احمد آرام، تهران، نشر اقبال، چ ۸، ۱۳۹۷.
۸. رفیعی، علی، بررسی فقهی طلاق و آثار آن در حقوق زوجین، تهران، مجد، چ ۱، ۱۳۸۰.

۹. شرف الدین، حسین، تبیین جامعه شناختی مهر، قم، انتشارات موسسه امام خمینی، ۱۳۸۰.

۱۰. صدر زاده افشار، محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، ماجد، چ ۵، ۱۳۷۹.

۱۱. صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله، حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، چ ۱۲، ۱۳۹۰.

۱۲. قزوینی، ملا علی، صیغ العقود و الایقات، قم، انتشارات شکوری، چ ۱، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران، سهامی انتشار، چ ۱۲، ۱۳۹۱.

۱۴. کوثر، رابرت؛ یولن، تامس، حقوق و اقتصاد (ترجمه دادگر، یدالله؛ اخوان هزاوه، حامده)، تهران، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، چ ۸۱۰؛ ۱۳۹۹.

۱۵. گلپایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، ج ۲، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۲۴ ه.ق.

۱۶. متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، چ ۴، ۱۳۴۹.

ب) مقالات

۱۷. انصاری پور، محمدعلی؛ صادقی مقدم، محمد حسن، اجرت المثل کارهای زوجه و نقد آرای محاکم در این زمینه، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۴.

۱۸. باقری، احمد؛ طباطبایی، سید محمد صادق، حق حبس، مطالعات اسلامی، ش ۶۷، ۱۳۸۴.

۱۹. تازیکی نژاد، علی؛ شفیع سردست، جعفر؛ شمسیان، اسماعیل، حقوق ازدواج از منظر اقتصاد، فصلنامه خانواده پژوهی، ش ۳۷، ۱۳۹۳.
۲۰. جعفری، عباس، حقوق مالی زن ناشی از طلاق به درخواست زوج، ماهنامه تعالی حقوق، ش ۶، ۱۳۸۵.
۲۱. حسینی حنیف، سید احمد، ارث زوجه از اموال غیر منقول زوج در فقه و حقوق، سفیر، ش ۱۹، ۱۳۹۰.
۲۲. خالدی، کوهسار؛ پرمه، زوار، بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ش ۴۹، ۱۳۸۴.
۲۳. دژخواه، لیلا، طلاق و چالش تنصیف دارایی، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۵، ۱۳۸۶.
۲۴. شاهرودی، محمود، میراث زوجه از اموال غیر منقول، مجله فقه اهل البیت، ش ۵۰، بی تا.
۲۵. شهیدی، مهدی، قدرت بر تسلیم مورد معامله، کانون وکلا، ش ۱۴۸-۱۴۹، ۱۳۸۶.
۲۶. علوی قزوینی، سید علی، آثار حقوقی تلقیح مصنوعی انسان، نامه مفید، ش ۳، ۱۳۷۴.
۲۷. علی پور، نسرين؛ مبانی فقهی حقوقی حق مالی زوجه با تأکید بر جنبه های اقتصادی آن، رساله پایان دوره دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشکده علوم انسانی دانشگاه

خوارزمی، استاد راهنما: دکتر حسین شفیعی؛ استاد مشاور: دکتر غفور خوئینی،

تابستان ۱۳۹۴

۲۸. قیوم زاده، محمود، بررسی ماهیت حق حبس در نکاح و چگونگی استیفای آن، فقه و

مبانی حقوق اسلام، ش ۱، ۱۳۸۹.

۲۹. محمودی، ابوالفضل، برآورد خط فقر نسبی در مناطق شهری ایران: کاربرد داده‌های

پانل در سیستم مخارج خطی، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، ش ۱۳، ۱۳۹۲.

ج) منابع عربی

۳۰. ابن براج، عبدالعزيز، جواهر الفقه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۱ ه.ق.

۳۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

چ ۱۴، ۱۴۰۸ ه.ق.

۳۲. اراکی، محمد علی، رسالتان فی الارث و نفقه الزوجه، قم، موسسه در راه حق، چ ۱،

۱۴۱۳ ه.ق.

۳۳. اصفهانی، محمد حسن، حاشیه المکاسب، قم، انوار الهدی، چ ۱، ۱۴۱۸ ه.ق.

۳۴. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی شیخ انصاری، چ ۱، ۱۴۱۵ ه.ق.

۳۵. بحر العلوم، محمد بن محمد تقی، بلغة الفقیه، ج ۱، ص ۱۳، تهران، منشورات مکتبه

الصادق علیه السلام، ج ۴، ۱۴۰۳ ه.ق.

۳۶. بروجردی، حسین، جامع احادیث شیعه، تهران، فرهنگ سبز، چ ۱، ۱۴۲۹ ه.ق.
۳۷. حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۷ ه.ق.
۳۸. حلبی، ابوالصلاح، الکافی فی الفقه، اصفهان، کتابخانه امیرالمومنین علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۳ ه.ق.
۳۹. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ایران، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۴۰. حلی، شمس الدین، معالم الدین، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱، ۱۴۲۴ ه.ق.
۴۱. حلی، محمد بن حسن (فخر المحققین)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات قواعد، قم، اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۸۷ ه.ق.
۴۲. خراسانی، محمد کاظم (آخوند خراسانی)، کفایه الاصول، قم، آل البيت ع، چ ۱، ۱۴۰۹ ه.ق.
۴۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم، چ ۱، ۱۴۱۲ ه.ق.
۴۴. زحیلی، وهبه، الوجیز فی الفقه الاسلامی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ ه.ق.
۴۵. سبحانی، جعفر، نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم، بی تا.

۴۶. سید مرتضی، علی بن حسین، الانتصار فی انفرادات الامامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۵ ه.ق.

۴۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، میراث الزوجه، قم، دارالقرآن الکریم، چ ۱، ۱۴۰۵ ه.ق.

۴۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، قم، داوری، چ ۱، ۱۳۸۶ ه.ق.

۴۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، قم، داوری، چ ۱، ۱۳۸۶ ه.ق.

۵۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵، ۱۴۱۷ ه.ق.

۵۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چ ۳، ۱۴۱۶ ه.ق.

۵۲. طوسی، ابو جعفر، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ه.ق.

۵۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ه.ق.

چ) منابع لاتین

۵۴. Bagheri, Farideh, *Poverty Line Estimate in Iran, International Conference on Official Poverty Statistics (Philippines)*, ۲۰۱۲.

۵۵. Booster, James S, Gaulin Steven J C, *Dowry as female competition, American anthropologist, new series, vol ۹۲*, ۲۰۱۶.

۵۶. Cohen, L., *Marriage: the long term contract, the law and economics of Marriage and divorce*, London, Cambridge, ۲۰۱۲.

۵۷. Cohen, L., *Marriage, Divorce and Quasi Rents: 'I Gave Him the Best Years of My Life': Journal of Legal Studies*, no. ۱۶, ۲۰۲۰.
۵۸. Dnes, Antony W., *Marriage contracts, encyclopedia of Law and Economics*, Edward Elgar, London, ۱۹۹۹.
۵۹. Geddez, R.; Zak P., *The Rule of One Third, Journal of Legal Studies*, vol. ۴۸, ۲۰۲۱.
۶۰. Hamilton, Gillian, *Property Rights and Transaction Costs in Marriage: Evidence from Prenuptial Contracts, the Journal of Economic History*, Vol. ۵۹, ۲۰۰۲.
۶۱. Howarth, Richard B.; Norgaard, Richard B., *Intergenerational Resource Rights, Efficiency, and Social Optimality, Land Economics*, vol ۶۶, ۲۰۱۶.
۶۲. Matuschek, Niko; Rasul, Imran, *the economics of the marriage contract: theories and evidence, Journal of Law and Economics*, vol. ۵۱, ۲۰۰۶.